



چرا امام حسین (ع) با وجود آگاهی از شهادتش به کربلا رفت؟

اگر امام حسین (ع) با آگاهی به شهادت، به کربلا رفته باشد باز هم عمل ایشان انداختن جان خود در هلاکت نیست چون در این دنیا اهداف مقدسی وجود دارد که جان انسانها در برابر آن ارزشی ندارند.

اگر امام حسین (ع) با آگاهی به شهادت، به کربلا رفته باشد باز هم عمل ایشان انداختن جان خود در هلاکت نیست چون در این دنیا اهداف مقدسی وجود دارد که جان انسانها در برابر آن ارزشی ندارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه علمیه قم به یکی از شبهاتی که راجع به قیام روز عاشورا وجود دارد پاسخ داد.

شبهه:

آگاهی امام حسین (علیه‌السلام) از شهادتش در کربلا، چگونه با آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» توجیه می شود؟

پاسخ:

روایت های متعددی حاکی از آن است که پیامبران گذشته، پیامبر اسلام، حضرت علی (علیه‌السلام) و حتی خود امام حسین (علیه‌السلام) از واقعه کربلا خبر داده اند. از این روی در اینکه امام حسین (علیه‌السلام) خبر داشتند که پایان کار ایشان با شهادت خواهد بود تردیدی نیست. با این حال، امام حسین (علیه‌السلام) در ماجرای کربلا بر اساس علم طبیعی خویش حرکت کردند، با یزید بیعت نکردند، به مکه رفتند، بر طبق احتمالی که در مورد احتمال ترورشان در موسم حج می دادند روز هشتم ذی الحجه از مکه خارج شدند و با توجه به دعوت کوفیان به سمت کوفه و نه کربلا حرکت کردند، اما روند حوادث به گونه ای شد که ایشان را به کربلا کشاند.

بر این اساس روند حرکت امام از مدینه تا کربلا، صرفا بر اساس علم غیب نبوده و قابل محاسبه منطقی و عقلانی بوده است که توجه به آن اصل شبهه را از بین می برد. با این حال حتی اگر امام حسین (علیه‌السلام) بر اساس علم غیب و آگاهی به شهادت، به کربلا رفته باشد باز هم عمل ایشان انداختن جان خود در هلاکت نمی باشد زیرا:

«القاء جان در هلاکت»؛ در آیه ۱۹۵ سوره بقره شامل کسانی که با ایثار و فداکاری در راه اسلام به شهادت می رسند نمی باشد، چون در این دنیا اهداف مقدسی وجود دارد که جان انسانها در برابر آن ارزشی ندارد همچون دین و حتی کسانی که اینگونه مسیر شهادت را بر می گزینند بر طبق آیات قرآنی دارای اجر عظیمی نزد پروردگار هستند.

هلاکت، مرگ بدون دلیلی است که باعث می شود تا انسان هم در این دنیا و هم جهان آخرت متضرر شود و مورد نکوهش همگان نیز قرار می گیرد ولی شهادت سرمایه ای است که طی آن اگر چه حیات زودگذر دنیوی را از دست می دهد اما هم حیات جاوید آخرت را می خرد و هم در دنیا به الگو و سرمشق برای انسانها تبدیل می شود.

از جهت بعد توحیدی، تمام جهان هستی ملک پروردگار است و تمام دستورات او مصلحتی دارند و از این روی اگر پروردگار متعال به فردی اذن شهادت داده باشد، عمل به این دستور و اذن، نه تنها هلاکت نیست بلکه حیات جاوید و مطابق با امر پروردگار است.